بسمه تعالی

[**قسمتی از وصیت نامه ی شهید باغانی که خیلی زیبا نوشته شده است**](http://shia313.blogsky.com/1389/05/16/post-30/)

الّلهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجّل فرجهم

**اینجانب ناصرالدین باغانی بنده ی حقیر درگاه خداوندی ام. چند جمله ای را به رسم وصیت می نگارم. سخنم را درباره ی عشق آغاز می کنم. ما را به جرم عشق مواخذه می کنند. گویا نمی دانند که عشق گناه ما نیست. اما کدام عشق؟ خداوندا! معبودا! عاشقا! مرا که آفریدی عشق پستان مادر را به من یاد دادی اما بزرگتر شدم و دیگر عشق اولیه مرا ارضا نمی کرد. پس عشق به پدر و مادر را به من ودیعت نهادی. مدتی گذشت دیگر عشق را آموخته بودم اما به چه چیز عشق ورزیدن را؟ نه! به دنیا عشق ورزیدم. به مال و منال دنیا عشق ورزیدم. به مدرسه عشق ورزیدم. به دانشگاه عشق ورزیدم. اما همه ی این ها بعد از مدتی جای خود را به عشق حقیقی و اصیل داد یعنی عشق به تو. یعنی فهمیدم که «لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنون» فهمیدم وقتی شرایط عوض شود «یَفِرُّ الْمَرءُ مِن اخیهِ وَ اُمِّهِ وَ اَبیهِ وَ صاحِبَتِهِ وَ بَنیهِ» ... پس به عشق تو دل بستم. بعد از مدتی که با تو معاشقه کردم یکباره به خود آمدم و دیدم که من کوچکتر از آنم که عاشق تو شوم و تو بزرگتر از آنی که معشوق من قرار بگیری. فهمیدم که در این مدت که فکر می کردم عاشق تو هستم اشتباه می کردم. این تو بودی که عاشق من بوده ای ومرا می کِشاندی. آری تو عاشق من بودی و هر شب مرا بیدار می کردی و به انتظار یک صدا از جانب معشوقت می نشستی. اما من بدبخت ناز می کردم و شب خلوت را از دست می دادم و می خوابیدم. اما تو دست برنداشتی و این قدر به این کار ادامه دادی تا بالاخره گریز پای مرا به چنگ آوردی و من فکر می کردم که با پای خود آمده ام! وه چه خیال باطلی!!!**

اما شهادت چیست؟

**شهادت خلوت عاشق و معشوق است. شهادت تفسیر بردار نیست. ای آنان که در زندان تن اسیرید به تفسیر شهادت نیندیشید که از درک قصه ی شهادت عاجزید. فقط شهید می تواند شهادت را درک کند. شهید کسی نیست که ناگهان در خون بغلتد و نام شهید را بر خود بگیرد. شهید در آن دنیا قبل از این که در خون بتپد شهید است. و شما همچنان که شهیدان را در این دنیا نمی توانید بشناسید و بفهمید بعد از وصلشان نیز هرگز نمی توانید درکشان کنید. شهید را شهید درک می کند. اگر شهید باشید شهید را می شناسید وگرنه آیینه ی زنگار گرفته چیزی را منعکس نمی کند که نمی کند.**

**برخیزید و... فکری به حال خود کنید...**

پيام آيت‌الله سيد علي خامنه اي(رئيس جمهور وقت) به مناسبت اولين سالگرد شهادت دانشجوي شهيد ناصرالدين باغاني در اسفند 1366 :

«بسم الله الرحمن الرحيم»

 **نوشتجات شهيد عزيز را مكرر، خوانده و هر بار بهره و فيض تازه‌اي از آن گرفته‌ام. اين را بايد بزرگترين فرآورده‌ انقلاب بدانيم كه مرداني در سنين جواني و در ميدان نبرد، معرفت و بصيرت پيران طريقت را پس از سال‌ها سلوك و رياضت به دست آورده و به كار بسته‌اند و اين تحقق وعده‌ي الهي است كه: «والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا...» جواناني از اين قبيل شايسته است كه الگوي جوان مسلمان و راهنماي همگان باشند. اين عزيزان عمر كوتاه و كم آلوده به گناه خود را با عبادت و مجاهدتي مخلصانه،‌ روح بها بخشيدند. خداوند هم به پاداش اين عمل صالح - سرچشمه‌هاي معرفت و محبت را بر دل و جان پاك آنان گسترد و سرانجام هم از ساغر شهادت سرخوش و به فيض لقاء الله سرافرازشان كرد. گوارا باد بر آنان و روزي باد بر آرزومندان. سيد علي خامنه‌اي رئيس جمهوري اسلامي ايران \*\***

 پيام آيت‌الله خامنه‌اي رئيس جمهوري اسلامي ايران به مناسبت شهادت دانشجوي شهيد ناصرالدين باغاني در 26 اسفند 1365خطاب به پدر شهيد برادر عزيز حجت الاسلام آقاي حاج شيخ علي اصغر باغاني :

**"شركت فرزند ارجمندتان در جبهه جهاد في سبيل‌الله و شهادت افتخار آميز آن عزيز را به شما و خانواده محترمتان تبريك مي‌گويم. دين خدا به چنين فداكاراني مي‌بالد و مؤمنان و پيروان قرآن به چنين پيشاهنگاني افتخار مي‌كنند. خداوند شهيد عزيز ما را با اوليائش محشور فرمايد و به شما و مادر گرامي آن شهيد و والدين همه شهيدان صبر و اجر عنايت كند.**

 **سيد علي خامنه‌اي رئيس جمهوري اسلامي ايران 65.12.26 "**

پيام دبيركل جامعه روحانيت مبارز و رئيس دانشگاه امام صادق (ع) حضرت آيت‌الله مهدوي كني به مناسبت شهادت دانشجوي شهيد ناصرالدين باغاني در 24 اسفند 1365 :

**"بسم الله الرحمن الرحيم من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوالله عليه و منهم من قضي نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا**

**عروج خونين نور چشم ما، پاسدار رشيد اسلام دانشجوي شهيد ناصرالدين باغاني هر چند موجب افتخار و سرافرازي ماست، اما از دست دادن اين نيروي ارزشمند اسلام داغدارمان كرد. همواره بقاء و گسترش آيين مقدس اسلام در گرو شهادت عزيزان ارزشمندي بوده است كه فقدان آنان ثلمه فجيعي بر اين نهضت به حساب مي‌آيد. اين برادر ايثارگر كه در كنار تمام فضائل، تعبد و تعهدش از همه چشمگيرتر بود زندگي شبانه‌روزي‌اش در دانشگاه امام صادق (ع) ولو در مدت كوتاه اسوه حسنه‌اي براي دوستان دلداده‌اش بود. شهادت قهرمانانه‌اش تابلويي رنگين از ايثار در برابر ديدگان نصب نموده است. از آنجا كه چنين انسان ارزنده‌اي به عنوان ارزشمندترين نيروي خدماتي اسلام بقاي وجودش ضرورت داشت و در عين حال تا مرز شهادت و قرباني شدن اين دفاع مقدس با دشمنان خدا پيكار نمود. سزاوار است به عنوان تداوم راه وي در اين وضعيت سرنوشت ساز جنگ تحميلي عزيزان فداكار ديگر جاي وي را پر نموده و به جبهه‌ها بشتابند.**

 **محمدرضا مهدوي كني 24 اسفند 65 "\*\***